

Factors Contributing to the Ideological Security of the State from Imam Khomeini's Perspective

Rashid Rekabian

Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd. (Corresponding author)

Email: ra.rekabian@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Saydabolfazl Hosenzada

PhD in Islamic Revolution Studies from Shahid Beheshti University; Lecturer at Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd – Iran.

Email :abolfazl@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

“Ideological security” is a key dimension of state security and among the most significant achievements of any political system, serving as the foundation for all other efforts toward development and progress in society. The preservation of ideological security is thus essential for the stability of a political system. The components and indicators of ideological security may vary across societies and, over time, may weaken, be forgotten, or face threats. If not passed down through restatement and reproduction to future generations, the ideological backbone—considered the primary pillar of a country’s security—will erode, leading to diminished national security and growing threats. The ideology of the Islamic Republic of Iran is enshrined in its Constitution and defined by two pillars: *republicanism* and *Islamicity*, both of which Imam Khomeini strongly emphasized, considering their defense essential and their erosion as a direct blow to Islam itself. He consistently called on all individuals to safeguard this foundation. The central research question of this study is: *What factors ensure the preservation of the ideological security of the state from Imam Khomeini’s perspective?* Using a descriptive-analytical and explanatory methodology, along with the examination of documentary sources and Imam Khomeini’s speeches, the study concludes that, in Imam Khomeini’s thought, the key agents responsible for safeguarding the Islamic state’s ideological security include the seminaries, academic scholars, the institution of *Velayat-e Faqih* (Guardianship of the Jurist), the three branches of government, and the participation of the people—entities and individuals that either produce or preserve the political system’s ideological foundations.

Keywords: Security, Ideology, Islamic State, Imam Khomeini, Agents, Political System

عوامل امنیت ایدئولوژی دولت از منظر امام خمینی (ره)

رشید رکابیان

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: ra.recabian@gmail.com

0000-0000-0000-0000

سیدابوالفضل حسینی زاده

دکترای مطالعات انقلاب اسلامی از دانشگاه شهید بهشتی؛ مدرس دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد- ایران.

Email: abolfazl@gmail.com

0000-0000-0000-0000

چکیده

«امنیت ایدئولوژی» از تقسیمات امنیت دولت‌ها است که از مهم‌ترین دستاوردهای هر نظام سیاسی است و تلاش‌های سایر حوزه‌های توسعه و پیشرفت جامعه در سایه آن به سرانجام می‌رسد. بر این اساس پشتوانه هر نظام سیاسی حفظ امنیت ایدئولوژیک است. مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیت ایدئولوژیک می‌تواند در هر جامعه‌ای متفاوت باشد و ممکن است با گذر زمان کم‌رنگ یا بعضاً به دست فراموشی سپرده شده یا تهدید شوند و اگر از طریق بازگویی و بازتولید به نسل‌های بعدی منتقل نگردند، بعد از مدتی ضریب ایدئولوژیک که مهم‌ترین پشتوانه امنیت یک کشور به شمار می‌آید، تضعیف شده، به دنبال آن امنیت ملی کاهش و تهدیدات افزایش می‌یابد. ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی بر اساس دو عنصر «جمهوریت» و «اسلامیت» تعریف شده است که امام خمینی (ره) بر آن بسیار تأکید داشتند و حفظ آن را از ضروریات و تهدیدات آن را مساوی با سبیل خوردن اسلام می‌دانستند؛ به همین دلیل همگان را به حفظ آن سفارش می‌کردند. بر همین اساس، پرسش اصلی تحقیق پیش رو این بود که «عوامل حفظ امنیت ایدئولوژیک دولت از منظر امام خمینی کدام‌اند» از پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تبیینی و روش گردآوری منابع اسنادی و منابع گفتاری امام (ره) این نتیجه و پاسخ حاصل شد که «در اندیشه امام خمینی کارگزار امنیت ایدئولوژی نظام اسلامی، یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی عبارت‌اند از حوزه‌های علمیه، دانشگاهیان، ولایت فقیه، قوای سه‌گانه، مشارکت مردم و... که ایده نظام سیاسی را تولید یا حفظ می‌نمایند».

واژگان کلیدی: امنیت، ایدئولوژی، دولت اسلامی، امام خمینی، کارگزاران، نظام

سیاسی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۲۵-۱۶۱



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/rir.2025.492528.1066

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

«امنیت» بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهم‌ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود؛ از این رو از گذشته‌های دور مورد توجه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان بوده است. البته یکی از پشتوانه‌های اصلی تقویت و بیشینه کردن امنیت، ضریب ایدئولوژیک هر کشور است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن می‌تواند در هر جامعه‌ای متفاوت باشد. یکی از محورهای برجسته/ندیشه سیاسی امام خمینی (ره) جایگاه و اهمیت امنیت ایدئولوژیک نظام سیاسی است که در مجموع می‌توان از آن با نام «جایگاه نظام سیاسی» تعبیر کرد. ایشان مکرر به تمامی نهادهای سیاسی موجود در جامعه، قوای سه‌گانه، نهادهای حقیقی، نهادهای حقوقی و مردم بر حفظ سازه‌های نظام جمهوری اسلامی تأکید داشتند و حفظ آن را از اوجب واجبات می‌دانستند. این سازه‌ها همان ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی هستند که در صورت تهدید آن‌ها، امنیت ایدئولوژیک نظام به خطر می‌افتد تا جایی امام (ره) فرمودند: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر، ولو امام عصر (عج) باشد، اهمیتش بیشتر است» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۱۵: ۳۶۵). این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین عوامل حفظ امنیت ایدئولوژیک نظام جمهور اسلامی ایران از منظر امام خمینی کدام‌اند؟

۱. تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

مفاهیم کلیدی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱-۱. امنیت^۱

برای مفهوم امنیت تعاریف متعددی ارائه شده است. اغلب اندیشمندان امنیت را حیاتی‌ترین و مبرم‌ترین نیاز بشر دانسته‌اند؛ نیازی مهم، از آغاز زندگی جمعی انسان‌ها تا به امروز که جهان به سمت نظم‌ی یکپارچه پیش می‌رود. با توجه به گستردگی مفهوم امنیت، تعریف روشن و واحدی برای آن وجود ندارد. «بوزان^۲ معتقد است به‌رغم اینکه واژه امنیت کاربردی وسیع داشته و به‌مثابه یک مفهوم مرکزی و کلیدی توسط عوامل عملیاتی - اجرایی از یک‌سو و دانشگاهیان از سوی دیگر پذیرفته شده است، لکن ادبیات فراهم شده در این خصوص بسیار

^۱. Security.

^۲. Buzan.

غیرمتوازن است» (به نقل از تاجیک، ۱۳۸۰: ۳۲). منظور از امنیت در این تحقیق تعریف جامع «اقبالور رحمان»^۱ است به این شرح که «امنیت یک ملت دربرگیرنده وحدت سرزمینی، ثبات رژیم، درک شناخت ستیز منافع ملی و بین‌المللی و تأمین و تحفظ حیات ساکنین در برابر تهدید عمل یا موقعیتی است که به هر طریقی به مسیر زندگی آنان لطمه وارد می‌سازد و به بیان دیگر امنیت ممکن است به توانایی یک ملت در نگهداری و حفظ قانونی و تأکید بر هویت اصیل خود در زمان و مکان، اطلاق شود.» (به نقل از همان: ۳۵).

۲-۱. مفهوم ایدئولوژی

واژه ایدئولوژی ترکیبی از «ایده» و «لوژی» است و «در نخستین کاربرد به معنای دانش "ایدئشناسی" یا "علم مطالعه ایده‌ها" است» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۷: ج ۱: ۹۲). دو واژه جهان‌بینی و ایدئولوژی به معنی کمابیش مشابهی به کار می‌روند. «جهان‌بینی، یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و به‌طور کلی درباره هستی است و ایدئولوژی، یک سلسله آراء کلی و هماهنگ درباره رفتارهای انسان را گویند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۲۹).

ایدئولوژی در واقع، مرام‌نامه و نوعی بیانیه حکومت و شامل آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف غایی و اصول زندگی سیاسی است که پذیرش مردمی پیدا می‌کند. ایدئولوژی همچون ملاطی فضای مفاصل و مصالح دولت و جامعه را فرامی‌گیرد و به تحکیم پیوند حکومت با مردم منجر می‌شود. پذیرش ایدئولوژی، همان تحکیم مشروعیت یک نظام سیاسی است.

شهید مطهری ایدئولوژی را «مساوی مکتب دانسته‌اند و در تعریف ایدئولوژی می‌گوید: ایدئولوژی یک تئوری کلی، طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص باشد و منبع الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای تمام افراد باشد. از نظر وی، ایدئولوژی با مفهوم قرآنی شریعت یکی است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۵).

^۱ Iqbaluar Rehman.

۳-۱. چارچوب نظری (نظریه امنیت)

نظریه امنیت سیاسی «باری بوزان»، مبنای تحلیل امنیت سیاسی در این مقاله است. از نظر او دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند، چراکه چارچوب نظم و بالاترین منبع یا مرجع اقتدار حاکمیت به شمار می‌آیند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷). این مطلب غیرمستقیم اشاره دارد به اینکه دولت ابتدا باید امنیت خود را تأمین کند تا بتواند به ایفای وظایف امنیتی بپردازد.

در این نظریه، دولت شامل سه حوزه مرتبط به هم است که هر سه باید از تهدید و خطر رها باشد تا امنیت سیاسی حاصل آید. آن‌ها باید دارای پایگاه مادی متشکل از جمعیت و سرزمین باشند و نهادهایی داشته باشند که پایگاه مادی را هدایت کرده، بر آن‌ها حکومت کنند و ضمناً باید مشروعیت ایده دولت در اذهان مردم جافته باشد (همان: ۸۶).

«ایدئولوژی در واقع، مرام‌نامه و نوعی بیانیه حکومت و شامل آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف غایی و اصول زندگی سیاسی است که پذیرش مردمی پیدا می‌کند. ایدئولوژی همچون ملاطی فضای مفاصل و مصالح دولت و جامعه را فرامی‌گیرد و به تحکیم پیوند حکومت با مردم منجر می‌شود. پذیرش ایدئولوژی، همان تحکیم مشروعیت یک نظام سیاسی است» (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۳).

«انواع مختلفی از ایدئولوژی‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی می‌تواند در خدمت ایده دولت قرار گیرد و به‌طور تنگاتنگی با ساختارهای نهادینه دولت مرتبط گردد. اگر ایده دولت ضعیف باشد یا به‌صورت ضعیفی در داخل جامعه جای گرفته باشد و حتی اگر قوی باشد، ولی مخالفانی داشته باشد، عقاید موجود، امکان رقابت با یکدیگر را یافته و بنیاد سیاسی دولت حالت شکننده‌ای پیدا می‌کند» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

همچنین «نظر به وضعیت نامعین می‌توان تا حدی عقاید را از جهات بسیاری در معرض تهدید دانست. ایدئولوژی‌های سازمان‌دهنده ممکن است در معرض نفوذ، پریشانی و فساد قرار گرفته یا در تماس با عقاید دیگر شکست بخورند؛ یا امکان دارد که از طریق نهادهای حامی آنان مورد حمله یا مورد تهاجم قهرآمیز واقع شوند. ایده دولت، موضوعی محوری در امنیت ملی است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۳).

بعد دوم دولت، نهادهای سیاسی و حاکمیتی‌اند؛ یعنی تمام دستگاه حکومت، از جمله سازمان‌ها، مراحل و هنجارهای اجرایی، قانون‌گذاری و اداری یا قضایی که دولت از طریق آن‌ها فعالیت می‌کند (همان: ۱۰۴). ایدئولوژی دولت وقتی محقق می‌شود که بتواند نهادهای سازمان‌های لازم را برای سیاست و عمل تمهید کند و امور را از مجاری مختلف پیش ببرد (همان: ۱۰۸). بعد سوم امنیت سیاسی، پایگاه مادی و فیزیکی دولت یا همان زیرساخت‌های عینی دولت است که متشکل از مردم، سرزمین، از جمله همه منابع طبیعی و ثروت ساخته دست انسان در درون مرزهای آن می‌باشد (همان: ۱۱۲)؛ بنابراین، نظریه سیاسی بوزان از حیث بنیادهای فلسفی و تاریخی در ذیل نظریه سیاسی مدرن قرار می‌گیرد که ریشه در افکار متفکران سیاسی کلاسیک مانند «توماس هابز»^۱، «ژان بدن»^۲، «جان لاک»^۳ و دیگران دارد. در منظومه اندیشه سیاسی مدرن، تأسیس دولت تجویزی حاصل خرد سیاسی است، یعنی بقای فرد انسانی و رسیدن او به خوشبختی، رفاه و آسایش، جز با زندگی در یک جامعه برآمده از قرارداد ممکن نیست. ضرورت تجویزی تأسیس دولت، نقطه تولد بحث امنیت سیاسی است، زیرا بقای دولت مقدمه تحقق اهداف جامعه است. اگر دولت، وجود نداشته باشد، حاصل کار جنگ همه با همه و مرگ خشونت‌بار خواهد بود و از طرفی مهم‌ترین ارزش در اندیشه امام خمینی نیز حفظ اسلام است و نقطه تحلیل امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی نیز دقیقاً از همین‌جا شروع می‌شود؛ چراکه از نظر ایشان، شرط اجرایی شدن بسیاری از احکام اسلامی، برقراری حکومت اسلامی است که هم تأسیس حکومت را واجب می‌سازد و هم حفظ آن را از اهم واجبات قلمداد می‌کند (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۵).

۲. پیشینه تحقیق

در موضوع اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی به رشته تحریر درآمده و همایش‌هایی هم برگزار شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱) همایش بررسی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و عرفانی امام (ره) (۱۳۹۰):

این همایش توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر و املش با این اهداف

^۱. Thomas Hobbes

^۲. Jean Bodin

^۳. John Locke

برگزار شد: بازشناسی و معرفی گفتمان امام خمینی (ره) به‌عنوان منشور انقلاب اسلامی؛ بازشناسی اندیشه‌ها، مواضع و عملکرد امام خمینی (ره) در مسیر انقلاب؛ معرفی امام خمینی (ره) به‌عنوان الگوی عملی و علمی برای جامعه دانشگاهی؛ معرفی امام خمینی (ره) به‌عنوان معیار انسان کامل برای جامعه بشری.

۲) همایش اندیشه‌های ارتباطی امام خمینی (۱۳۸۸): همایش از سوی مؤسسه فرهنگی روابط عمومی «آرمان» و با حمایت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و با همکاری نهادها و مؤسسات بزرگی برگزار شد. هدف از برگزاری آن بررسی و استخراج و تدوین اندیشه‌های حضرت امام در زمینه‌های ارتباطات، رسانه و روابط عمومی و در راستای توجه به اندیشه‌های دینی در حوزه علوم انسانی بود. از اهداف محوری همایش می‌توان به لزوم ارائه الگوی عملی از منش ارتباطی امام خمینی (ره) و تدوین دیدگاه‌های ایشان در زمینه‌های ارتباطی و نیز ارائه مرجع علمی برای استفاده در دانشگاه‌ها اشاره کرد.

۳) همایش اندیشه‌های قرآنی و تفسیری امام خمینی (ره) (۱۳۹۴): این همایش را دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد در این شهر برگزار کرد و هدف آن بررسی اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (ره) بود.

۴) همایش ملی اندیشه‌های فقهی امام خمینی (ره) (۱۳۹۵): همایش را دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم برگزار کرد، با هدف بررسی اندیشه‌های امام خمینی در زمینه سیاسی، حقوقی، معاملات و مسائل مستحدثه که هر یک از این سرفصل‌ها خود زیرمجموعه‌هایی را شامل می‌شد؛ برای مثال در بخش سیاست به ولایت عادل، ولایت جائر، حکم حکومتی، قراردادهای حکومتی و مصلحت اشاره شده بود.

۵) واثق و سادات حسنی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره)» به نتیجه رسیده‌اند که «از سخنان امام خمینی (ره) می‌توان چنین دریافت که دفاع سازوکاری فلسفی و واقع‌گرایانه به حساب می‌آید و به معنای دفع دشمن و تدارک بازدارندگی

مؤثر بوده و قاعده‌ای مبنایی و حیاتی است؛ بنابراین، تفکر در مبانی اندیشه دفاعی اسلام از مقدمات اولیه تنظیم امور دفاعی جامعه اسلامی و ایجاد امنیت به شمار می‌رود».

۶) قربی، (۱۴۰۲) در مقاله «مصادیق امنیت در حکومت اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی (ره)» اظهار داشته است: امام خمینی (ره) به مقوله امنیت از منظر دین و روایات اسلامی می‌نگرند و به همین دلیل، از امنیت به عنوان نعمتی مجهول و گوارا یاد می‌کنند که با سلامت، آرامش و استقلال هم‌نشین است و ممکن است مورد تهدید واقع شود و از این رو، وظیفه حکومت است که امنیت را تأمین نماید. امنیت در مکتب امام (ره) به مؤلفه‌هایی همچون نظم بلاد و ایمن‌سازی سامان سیاسی، رفاه عمومی، آرامش جامعه، ایمن بودن از بلایا، در امان بودن جان، مال و ناموس مردم در جامعه، استقلال همه‌جانبه و... اشاره دارد.

۷) فوزی (۱۳۹۴) در کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» در پنج فصل نگاشته و در هر فصل به یکی از جنبه‌ها و ابعاد اندیشه امام اشاره کرده است. در آغاز درباره تحولات سیاسی و اجتماعی دوران حیات امام (ره) می‌نویسد و درباره تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری بینش سیاسی ایشان شرح می‌دهد. فصل دوم، به بنیادهای نظری و فصل سوم به مباحث مهم اندیشه سیاسی ایشان اختصاص دارد و مسائلی همچون رابطه دین و سیاست، ضرورت تأسیس حکومت اسلامی در دوران غیبت، ولایت فقیه و ویژگی‌های حاکم اسلامی، نقش و حقوق مردم در چنین حکومتی و ولایت مطلقه، مصلحت و احکام حکومتی بررسی می‌شود. فصل چهارم کتاب در خصوص اهداف کلان و جهت‌گیری‌های مهم سیاسی نظام اسلامی و فصل پنجم درباره نگاه امام به سیاست بین‌المللی و راهکارهای ایشان برای حضور در عرصه سیاست جهانی است.

۸) جمشیدی (۱۳۸۸) کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» را در سیزده فصل تدوین کرده است و در آن به بررسی مقتضیات زمان، شخصیت و سیره و آثار سیاسی امام (ره)، مبانی اندیشه سیاسی ایشان در قالب مبانی

معرفتی، وجودشناسانه و روشی و نیز مبانی انسان‌شناسی و اخلاقی و مفهوم و جایگاه سیاست و دین و ارتباط این دو با هم از دیدگاه امام و... پرداخته است. این کتاب همچنین، درباره مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی مطالبی نگاشته است، مفاهیمی چون آزادی، عدالت، حق تا تکلیف و قانون، قیام و انقلاب، ولایت و حاکمیت، دولت اسلامی، حکومت، حکومت اسلامی، نظریه ولایت فقیه و ابعاد آن، رهبری جامعه و ویژگی و وظایف آن، خصایص حاکمان و ارتباط حکومت با مردم در قالب مشروعیت، مشارکت و نظارت و سایر مسائل حوزه سیاست داخلی.

موضوع و محتوای پژوهش‌های یادشده اندک قرابتی با تحقیق حاضر دارد، ولی از آنجایی که درباره عوامل حفظ امنیت ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی هیچ‌گونه پژوهشی به انجام نرسیده است، این تحقیق نوآوری دارد.

۳. ایدئولوژی نظام سیاسی

معمولاً ایدئولوژی دولت‌ها در قانون اساسی ذکر می‌شود. بر اساس اصل اول قانون اساسی، «حکومت ایران جمهوری اسلامی است...» که بیانگر دو عنصر جمهوریت و اسلامیت در ایدئولوژی نظام سیاسی ایران است. همچنین در اصل دوم آمده است: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: (۱) خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ (۲) وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ (۳) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ (۴) عدل خدا در خلقت و تشریع؛ (۵) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛ (۶) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا». در اصل چهارم قانون اساسی نیز آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است» (قانون اساسی).

ایدئولوژی نظام سیاسی ایران، در اندیشه امام خمینی این گونه طرح می‌شود که اسلام دین کامل و جامعی است که برای همه سطوح و ابعاد زندگی بشر خصوصاً در امور مربوط به تدبیر جامعه برنامه و قانون دارد. ایشان بیان می‌کنند: «از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بر دارد، سه چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است؛ مقداری از احکام مربوط به اخلاقیات است و بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است» (خمینی، ۱۳۸۸: ۱۱).

از دیدگاه ایشان اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت، جزء ولایت است و اسلام علاوه بر جعل قانون، مجری قانون را هم تعیین کرده است: «در همه کشورهای دنیا این طور است که جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند، پس از تشریع قانون، باید قوه مجریه به وجود آید. در یک تشریع یا در یک حکومت اگر قوه مجریه نباشد نقص وارد است. به همین جهت اسلام همان طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. ولی امر متصدی قوه مجریه قوانین هم هست. اگر پیغمبر اکرم خلیفه تعیین نکند، رسالت خویش را به پایان نرسانده است» (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۱).

«برخلاف کسانی که می‌گویند اسلام برای اداره جامعه، نظام و قانون ندارد، در ایدئولوژی سیاسی اسلام، تشکیل حکومت، لازم و ضروری است، چراکه پیامبر اکرم (ص) خود تشکیل حکومت داده و برای پس از خود نیز حاکم تعیین کرده است...دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع گشته است» (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۹).

امام خمینی نظام سیاسی اسلام را همان حکومت قانون الهی معرفی (خمینی، ۱۳۸۸، ۴۵) و اظهار کرده است: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱۰: ۱۵۳).

در الگوی دولت، ملت نوعی رابطه خاص میان دولت و مردم نیز شکل می‌گیرد که شکل پنهان، مؤثر و عمیق آن هویت ملی است که استعدادهایی نظیر انسجام، بسیج

مردمی و مشارکت را در پی داشته، به بقای حکومت کمک می‌کند. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است. مهم‌ترین عنصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت‌اند از: سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، شدت احساس هویت ملی آن‌ها را مشخص می‌سازد. (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). هر چند در دیدگاه امام، عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی نیز مورد توجه و حفاظت قرار می‌گیرند، ولی با توجه به نقش ایشان به عنوان نظریه‌پرداز علوم اسلامی و در جایگاه فقهی که به نظریه فقهی خویش جامعه عمل پوшاند، تأکید ما در این نوشتار، بررسی امنیت ایدئولوژی نظام سیاسی، یعنی همان دو عنصر «اسلامیت و جمهوریت» است؛ که البته امنیت تمامی عناصر اصلی هویت ملی ایرانی را نیز در بر می‌گیرد.

در مسئله امنیت سیاسی، هر آنچه ایده دولت یا به عبارتی ایدئولوژی و هویت ملی را تهدید نماید، در حقیقت امنیت سیاسی دولت را تهدید کرده است. در این بخش از مقاله به بیان کارگزاران امنیت ایده دولت از منظر امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. کارگزاران امنیت ایدئولوژی نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی

کارگزار امنیت ایدئولوژی نظام اسلامی، یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی که در اندیشه فقهی امام خمینی، ایده نظام سیاسی را تولید یا حفظ می‌نمایند. در اسلام، خداوند علت‌العلل امنیت محسوب می‌شود و اوست که مسیر خیر (امنیت) و شر (ناامنی) را تعیین می‌کند. بر این اساس تنها کسانی می‌توانند تولیدکننده یا حافظ امنیت واقعی باشند که از صفات و شرایط الهی برخوردار باشند. انبیای الهی، ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، فقهای جامع‌الشرایط و مؤمنین عادل در این زمره قرار می‌گیرند و در مقابل کارگزارانی موجب ناامنی می‌شوند که این صفات و شرایط را نداشته باشند و پیرو هوا و هوس باشند.

«در حوزه علوم و مکاتب امنیتی از دو پارادایم و الگوی کلان فکری و اندیشه‌ای می‌توانیم سخن بگوییم: الگوی متعالیه که محصول جنود عقل و مبتنی بر فطرت

مخموره است و وحدت دارد و الگوهای متدانیه یا متعارف که محصول جنود جهل و فطرت محجوبه است و کثرت دارد. در الگوی متدانیه، تمام تلاش‌ها مصروف بقای دنیوی است؛ درحالی که در الگوی متعالیه و الهی، بقای دنیوی مقدمه بقای ابدی در نظر گرفته می‌شود» (لک زایی ۱۳۸۹: ۹۱-۹۲).

امام خمینی با استناد به حدیث جنود عقل و جهل، نظریه دو فطرت را مطرح کرده‌اند که بر اساس آن، فطرت مخموره انسان را «خیر» و فطرت محجوبه انسان را «شر» و «تهدید» بیان می‌کند. ایشان در شرح حدیث جنود عقل و جهل منقول از امام صادق (علیه‌السلام) بیان می‌کنند: «خداوند دو فطرت در وجود انسان مخمر ساخت که یکی اصلی و دیگری تبعی است... آنچه باعث امنیت برای آدمی می‌شود توجه او به فطرت مخموره است و آنچه ایجاد ناامنی می‌نماید مصروف فطرت محجوبه شدن است و تربیت و عمل بر اساس فطرت ثانویه یعنی فطرت محجوبه، بنیاد همه تهدیدهاست» (خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۷۸-۷۹).

در دیدگاه امام خمینی علت فاعلی یا کارگزاران تأمین امنیت از این قرارند: (۱) عوامل ماورایی از قبیل خدا و فرشتگان؛ (۲) عوامل انسانی نظیر رهبران الهی (نبی، امام و فقیه)، نخبگان (فکری و ابزاری) و مردم؛ (۳) عوامل سازمانی. علت فاعلی و کارگزاران ناامنی نیز عبارت‌اند از: (۱) عوامل ماورایی مثل ابلیس؛ (۲) عوامل انسانی از قبیل رهبران طاغوتی، نخبگان (فکری و ابزاری) وابسته به آن و مردم پیرو هوا و هوس؛ (۳) عوامل سازمانی مثل دولت‌های فرعونی. (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

بنابراین، آنچه امام خمینی راجع به امنیت نظام سیاسی مطرح می‌کند نه نظرات شخصی خویش، بلکه احکام و دستورات الهی است که بر تک‌تک افراد جامعه واجب است از این احکام و دستورات پیروی کنند. در تبیین این مطلب، کارگزاران امنیت ایدئولوژی دولت اسلامی را به دو بخش تقسیم می‌کنیم: بخش نخست، نهادها یا سازمان‌هایی هستند که برای تولید امنیت یا حفاظت از امنیت تولیدشده فعالیت می‌کنند؛ بخش دوم، مردم هستند که بدون حضور و مشارکت آنان، امنیت پایدار نمی‌ماند. در این مقاله به بخش اول پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. نهاد حوزه و روحانیت

امام خمینی، حوزه‌های علمیه را نهادی می‌داند که اسلام را حفظ کرده است و از این پس نیز باید به همین وظیفه و رسالت خویش ادامه دهد: «این حوزه‌های علمیه

است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آن‌که اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمان‌های سیاه، همین روحانیین بودند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۳۲). بر این اساس ایشان فقها را موظف به تشکیل حکومت اسلامی می‌دانند تا از این طریق بتوانند احکام الهی را اجرا نمایند «ائمه و فقهای عادل موظف‌اند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند» (خمینی، ۱۳۸۸: ۵۵).

۴-۱-۲. نهاد دانشگاه

نهاد دانشگاه یکی از نهادهای مهم در اندیشه امام است که وظیفه تأمین امنیت ایدئولوژی دولت اسلامی را بر عهده دارد. ایشان در عبارتهای متعددی بر حوزه و دانشگاه تکلیف می‌کند که باید در محیط تحصیلی خود از اسلام که همان ایدئولوژی دولت اسلامی است دفاع نمایند: «طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود، در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند» (خمینی، ۱۳۸۷ الف: ۲۲۵) و «بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با تمام نیرو، وحدت خویش را حفظ و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند» (خمینی، ۱۳۸۷ الف: ۲۲۲).

از دید ایشان زمانی دانشگاه می‌تواند برای کشور مفید واقع شود که اسلامی باشد: «باید این مسئله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد» (خمینی، ۱۳۸۵: ۸۴). در حکم صادره به ستاد انقلاب فرهنگی به این وظیفه مهم تأکید کردند که «باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید تا اساتیدی که در ارتباط با شرق و یا غرب‌اند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی» (خمینی، ۱۳۸۵: ۷۷). همچنین لازم است «از افراد صاحب‌نظر متعهد، از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیل‌کرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها، بر اساس فرهنگ اسلامی» (خمینی، ۱۳۸۵: ۷۹).

۴-۱-۳. نهاد رهبری و ولایت فقیه

بدون شک مهم‌ترین نهادی که در تولید و حفظ امنیت ایدئولوژی دولت اسلامی نقش دارد، نهاد رهبری جامعه است. با توجه به اصل یک‌صد و دهم قانون اساسی که به تبیین وظایف رهبری پرداخته است، می‌توان گفت که بیشترین مسئولیت در رابطه با تولید و حفظ امنیت ایدئولوژی دولت اسلامی بر عهده شخص ولی فقیه است.

همان‌گونه که در تحریر الوسیله آورده است، ایشان تکفل امور سیاسی جامعه را در زمان غیبت بر فقها واجب می‌داند. (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۴۸) ایشان همچنین بر مردم واجب می‌داند که فقها را در این امر یاری نمایند: «بر مردم به‌طور کفایی، واجب است که فقها را در اجرای سیاسات (حدود و تعزیرات) و غیر آن‌ها از امور حسبه که در زمان غیبت از مختصات آنان می‌باشد، در صورت امکان کمک نمایند و در صورت عدم امکان به هر قدری که میسر و ممکن است (مساعدت کنند)» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۴۸).

امام خمینی برای لزوم حکومت ولی فقیه استدلال آورده‌اند که «اولاً اصولاً قانون و نظامات اجتماعی مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه این‌طور است که قانون‌گذاری به تنهایی فایده ندارد. قانون‌گذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریع قانون بایستی قوه مجریه‌ای به وجود آید... به همین جهت، اسلام همان‌طور که قانون‌گذاری کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. "ولی امر" متصدی قوه مجریه هم هست. ثانیاً؛ سنت و رویه پیغمبر اکرم (ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ ثالثاً؛ دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع گشته است» (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۷).

ایشان پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی نیز برای ولی فقیه برمی‌شمارد: اول اینکه عالم به قانون و مسلط به احکام شرعی اسلام باشد و دوم اینکه بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد و اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل

حکومت داد، همان ولایتی را دارد که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند (خمینی، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۰). علم به قانون یعنی علم به ایده‌ای که دولت اسلامی بر اساس آن تشکیل شده است و فلسفه وجودی نهاد رهبری و ولی فقیه به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور، حفظ و صیانت از این ایده است؛ بنابراین می‌توان گفت که تولید و حفظ امنیت ایده سیاسی در مرحله اول بر عهده این نهاد است.

۴-۱-۴. نهادهای تقنینی

در اندیشه فقهی امام خمینی، یکی از کارگزاران امنیت ایده دولت اسلامی «نهاد قانون‌گذاری» است که وظیفه تولید و حفظ ایدئولوژی اسلامی را بر عهده دارد. در اندیشه امام، مجلس شورای اسلامی از جایگاهی برخوردار است که آن را در رأس همه امور، مرکز همه قانون‌ها و قدرت‌ها و هدایت جامعه معرفی می‌کند (خمینی، ۱۳۸۷ ب: ۳۳۷)، به‌گونه‌ای که پس از تأیید مصوبات مجلس توسط شورای نگهبان، اطاعت از آن بر دولت و ملت لازم و واجب است. در حقیقت مجلس شورای اسلامی جایگاه ایده‌پردازی اسلامی است که وظیفه دارد در چهارچوب شریعت به وضع قانون بپردازد و امنیت ایده دولت اسلامی را از این طریق تأمین نماید.

امام درباره اهمیت مجلس شورای اسلامی ر این نظر بوده که «مجلس تنها مَلَجئی است که برای یک ملت است. مجلس قوه مجتمع یک ملت است در یک گروه. تمام قوای یک ملت در یک گروه مجتمع است و مجلس از همه مقاماتی که در یک کشوری هست بالاتر است؛ بنابراین یک همچو مقامی را نشکنید این‌طور؛ و لو نمی‌توانید، لکن اصل گفتنش، اصل ذکرش، کار قبیحی است و برخلاف مصلحت است و برخلاف مسلک اسلام است» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۱۲: ۲۰۰).

ایشان مجلس به معنی واقعی کلمه ملی و اسلامی را باعث اصلاح همه امور مملکت می‌دانند: «اگر مجلس شورا آن‌طوری که ما بخواهیم ملی و اسلامی باشد، همه این مطبوعات اصلاح خواهد شد؛ همه این رادیو تلویزیون‌ها اصلاح خواهد شد؛ همه این ادارات تصفیه خواهد شد» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۹: ۵۴)؛ بر این اساس تأکید کرده‌اند که مردم نمایندگانی را به مجلس شورا بفرستند که متدین و آگاه به احکام اسلامی باشند (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۶: ۵۰۹) و مصوبات مجلس شورای اسلامی را که به تأیید شورای نگهبان رسیده است، شرعی و تبعیت از آن را بر همه واجب می‌دانند.

بنابراین، مجلس شورای اسلامی را یکی از کارگزاران امنیت ایده دولت اسلامی می‌توان دانست که دستوراتش همان احکام مقدس اسلامی و تبعیت از آن واجب شرعی است و جایگاهی است که ایدئولوژی دولت اسلامی را مشخص و تقویت می‌نماید. «بسمه‌تعالی، آنچه را مجلس شورای اسلامی تصویب نموده و به تأیید شورای نگهبان رسیده، هم شرعی است و هم قانونی می‌باشد» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۰: ۵۲۹) «بسمه‌تعالی، رعایت مقررات دولت اسلامی بر ملت و مسئولین واجب است» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۰: ۵۶۲). ایشان تأکید می‌کند که هیچ‌یک از طرح‌ها و مصوبات مجلس نباید مخالف با اسلام که همان ایدئولوژی دولت اسلامی است باشد: «مجلس شورا یک مجلس اسلامی امیدوارم باشد و مجلس اسلامی نگذاارد که برنامه‌های غیر اسلامی اجرا بشود، یا کارهای خلاف شرع واقع بشود» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۹: ۳۵۸).

۴-۱-۱. شورای نگهبان

یکی دیگر از نهادهای تأمین‌کننده امنیت ایده دولت، نهاد شورای نگهبان است که وظیفه نظارت بر قوانین مجلس را بر عهده دارد. فلسفه وجودی شورای نگهبان، ضرورت پاسداری از احکام شرع و اصول قانون اساسی است که در اصل نود و یک قانون اساسی هم ذکر شده است. اسلامیت نظام و لزوم ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی و ممنوعیت مجلس در وضع قوانینی که مغایر با اصول و احکام اسلام یا قانون اساسی است، مبنای شکل‌گیری این نهاد مهم و تأثیرگذار است. امام خمینی به اعضای این نهاد تأکید می‌کند: «شما باید ناظر بر قوانین مجلس باشید و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید.» (خمینی، ۱۳۸۷ ب: ۲۰۷) و «شورای محترم نگهبان، که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تأیید اینجانب می‌باشند و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است... البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تأثیر هیچ جوی واقع نمی‌شوند» (خمینی، ۱۳۸۷ ج: ۲۱۲).

۴-۱-۵. نهاد قضاوت

در اندیشه امام خمینی، نهاد قضاوت از دیگر نهادهایی است که رسالت مهمی در تأمین امنیت ایده دولت اسلامی دارد، ایشان انحراف این نهاد از احکام الهی را مایه

مخدوش شدن چهره اسلامی دولت می‌دانند که مردم را نسبت به ایدئولوژی نظام بدبین می‌سازد. بدبینی مردم به نظریه ولایت فقیه و تردید در توان اداره جامعه به دست فقها و اسلام‌شناسان، خطری است که به جد، امنیت ایده دولت را تهدید می‌کند: «اگر خدای‌نخواسته در دادگاه‌ها یک امر خلافی واقع بشود، این فقط به دادگاه صدمه نمی‌زند، به جمهوری فقط صدمه نمی‌زند، به اسلام ضربه می‌زند؛ صدمه، صدمه به اسلام است» (خمینی، ۱۳۹۰: ۳). «دستگاه‌های دادگستری و دادگاه‌های انقلاب و قضاوت دستگاه بسیار امر مهمی است که سر و کار با جان و آبرو و مال ملت دارد و اهمیتی که اسلام به قضاوت داده است، به کمتر چیزی داده است. امروز دستگاه دادگستری و دادگاه‌های انقلاب پاسبان آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام است و انحراف در قضا، مردم را از این دستگاه مأیوس و به جمهوری اسلامی و روحانیون بدبین می‌نماید» (خمینی، ۱۳۹۰: ۶).

۴-۱-۶. نهاد اجرایی

در قانون اساسی ایران اعمال قوه مجریه بر عهده دو رکن مقام رهبری و رئیس جمهور قرار گرفته و اصل شصتم قانون اساسی به این نکته اشاره کرده است که «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است».

رئیس جمهور نیز همچون مقام رهبری، مسئول حفظ امنیت ایده دولت است. امام خمینی در دوران رهبری خویش، در سه حکم تنفیذی صادره که حکم شرعی فقهی است، تأکید کرده‌اند که رئیس جمهور باید در خط اسلام حرکت نموده و از احکام مقدسه اسلام تبعیت کند؛ احکامی که همان ایده تشکیل دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران است. هر دو نهاد، یعنی نهاد رهبری و نهاد ریاست جمهوری، مهم‌ترین نهادهای موظف به تولید و حفظ امنیت ایده دولت اسلامی هستند.

در حکم تنفیذ ریاست جمهوری بنی‌صدر آمده است: «لکن تنفیذ و نصب اینجانب و رأی ملت مسلمان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از قانون اساسی اسلامی ایران» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۲: ۲۶۲) و در حکم تنفیذ ریاست جمهوری آقایان رجایی و آیت‌الله خامنه‌ای به ترتیب ذکر شده است: «مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می‌باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم‌الشأن در حدود اختیارات قانونی

خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون اساسی تخطی ننمایند و...» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۲: ۲۶۵)؛ «رأی ملت مسلمان متعهد و تنفیذ آن محدود است به اینکه ایشان به همان نحو که تاکنون خدمتگزار اسلام و ملت و طرفدار قشر مستضعف و به حکم قرآن کریم أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ بوده‌اند، از این پس نیز به همان تعهد باقی باشند و از طریق مستقیم انسانیت و اسلام انحراف ننمایند...» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۲: ۲۶۷)

۴-۱-۷. احزاب و گروه‌های سیاسی

در اندیشه امام خمینی، اگر چه احزاب سیاسی می‌توانند سلاقی و دیدگاه‌های اقتصادی و سیاسی متفاوتی داشته باشند، اما زمانی در راستای تولید و تأمین امنیت ایده دولت اسلامی هستند که در چارچوب واحدی از احکام و دستورات الهی حرکت نمایند: «این‌طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان، ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد؛ بنابراین، ما باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب‌الله کنیم، خودمان را جزء حزب‌الله قرار دهیم؛ و من امیدوارم که آقایان موفق شوند در هر جا که هستند، برای اسلام و برای خدا و برای رسیدن به مقصد الهی فعالیت کنند» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۷: ۱۹۳-۱۹۴).

در اندیشه امام حزبی مورد تأیید اسلام است که حرکت و سمت‌وسوی آن حزب به سمت خدا باشد: «از اول عالم تا حال، دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۷: ۱۹۱).

۴-۱-۸. بسیج

یکی دیگر از نهادهای تأمین امنیت ایده دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی «بسیج» است: «قضیه بسیج همان مسئله‌ای است که در صدر اسلام بوده است. وقتی جنگ می‌شد، طوایف مختلف می‌آمدند و به جنگ می‌رفتند و این مسئله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است؛ و چون مقصد ما اسلام است، باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام؛ و همه مردم و هر کس در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و الحاد و هجوم بیگانگان» (خمینی، ۱۳۹۲ ج: ۱۹: ۲۲۰). «اسلام و احکام اسلام آن‌قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام، از صدر اسلام به بعد، بزرگان اسلام

خودشان را فدا کردند برای اسلام. وقتی یک همچه مطلبی است و یک همچه امانتی از جانب خدای تبارک و تعالی، به ما سپرده شده است، ما موظفیم همه‌مان برای حفظش» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۵: ۱۱۲).

۴-۱-۹. مسجد

در فقه شیعه، مسجد یکی از نهادهای تولید و حفظ ایدئولوژی دولت اسلامی است و در صدر اسلام هم علاوه بر اینکه محل عبادت مسلمانان بوده، جایگاه مهم سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... به شمار می‌رفت. با توجه به بیانات امام خمینی، مساجد بهترین سنگر برای محافظت از ایدئولوژی دولت اسلامی است: «مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند» (امام خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۲۰: ۳۳۸).

ایشان تأکید می‌کنند که ایده حکومت اسلامی را باید از طریق مساجد حفظ کرد: «لازم است در این موقع حساس که بیش از هر وقت احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، ملت مسلمان ما به مساجد در تمام بلاد رو آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلام است، زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی، نهضت را به پیش برند» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۹: ۲۳۸).

در دیدگاه امام امت، نهاد مسجد قبل از انقلاب اسلامی هم نقش زیادی در مبارزه با طاغوت برای برپایی حکومت اسلامی داشته است: «در این دو سه سال اخیر، مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۳: ۳۶۲).

۴-۱-۱۰. سازمان‌های اطلاعاتی

بنا بر اصل اولی، حفظ حرمت و آبروی مسلمانان و عدم تجسس در حوزه خصوصی آنان لازم بوده و در قرآن نیز نهی شده است (حجرات/۱۲)، ولی در صورتی که امنیت جامعه و نظام اسلامی منوط به این امر باشد، دولت اسلامی باید مقدمات آن را فراهم سازد. گفتنی است که دشمنان اسلام از راه‌های گوناگون درصدد آسیب به مبانی انقلاب اسلامی ایران هستند. بدبین کردن مردم به اسلام و احکام نورانی آن و ناکارآمد نشان دادن این آیین مقدس الهی در اداره امور سیاسی جامعه یکی از اهدافی است که دشمن دنبال می‌کند و نیروهای اطلاعاتی در این رابطه وظیفه دارند خط سیر این ناامنی را شناسایی و با آن مقابله نمایند. امام خمینی در این باره می‌فرمایند:

«احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است، اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. این حرف‌های احمقانه‌ای است که از همین گروه‌ها القا می‌شود که خوب، جاسوسی که خوب نیست! جاسوسی، جاسوسی فاسد خوب نیست، اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است، دروغ گفتن هم واجب است، شرب خمر هم واجب است» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱۵: ۱۱۶).

ایشان در جواب استفتایی لزوم گزارش تخلفات مخل امنیت جامعه را به این شرح بیان می‌کنند: «در جمهوری اسلامی اگر کسانی پیدا شوند که اسلحه قاچاق در خانه داشته باشند و کسانی مطلع باشند که این‌ها اسلحه قاچاق دارند، می‌توانند به مقامات جمهوری اسلامی گزارش دهند؟ بسمه‌تعالی، اگر احتمال خطر برای نفس محترمی بدهید گزارش لازم است» (خمینی، ۱۳۹۲، ب، ج ۵: ۲۲۰). همچنین تحقیق و تفحص از جریان‌ات ضد انقلاب اسلامی را بر عهده وزارت اطلاعات می‌گذارد و به‌نوعی ضرورت تشکیل نهاد استخبارات در راستای تأمین امنیت ایده دولت اسلامی را بیان می‌کند: «...بدیهی است که این امر چون مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصرأ در اختیار وزارت اطلاعات کشور می‌باشد» (خمینی ۱۳۹۲، ج ۲۰: ۱۴۵).

۴-۱-۱۱. نیروهای مسلح

سازمان‌های نیروهای مسلح وظیفه دارند از ایدئولوژی دولت اسلامی که همان اسلام است محافظت کنند: «بر همه ما، بر همه رؤسای ارتش، رؤسای پاسداران، رؤسای ژاندارمری، رؤسای شهربانی و همه روشنفکران و همه نویسندگان لازم است که ما همه را به یک وجهه سوق بدهیم؛ این ملت را ما به سوی اسلام و به سوی الله سوق بدهیم» (خمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۳) و «اگر خدای‌نخواسته ارتش ما رو به ضعف برود کشور ضعیف خواهد شد، اسلام ضعیف خواهد شد» (خمینی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). امام

اسلام را امانتی می‌داند که نیروهای مسلح موظف به حفظ آن هستند (خمینی، ۱۳۸۳: ۳۹).

۴-۱-۱۲. کارگزاران مردمی

امام خمینی همواره بر نقش مردم در حکومت تأکید می‌کند و مردم را یکی از پایه‌های حکومت اسلامی می‌دانند و در بیانات خود همواره بر لزوم اتکای حکومت به مردم، عدم تحمیل بر مردم، رضایت مردم و نظارت مردم تأکید می‌ورزند. گفتار امام مملو از واژه «مردم» (۱۲۱۲ مورد) و «ملت» (۱۵۲۳ مورد) است و می‌توان گفت، کمتر فقیه‌ای است که مانند وی، مردم را واجد نقش‌های اساسی و تعیین‌کننده دانسته و آن‌ها را در نظر و عمل مورد خطاب و تکریم قرار داده باشد.

به اعتقاد ایشان رأی اکثریت در امور اجتماعی از نظر شریعت دارای اعتبار است؛ زیرا درک اکثریت از مصلحت اجتماعی، به واقع نزدیک‌تر است: «آرای عمومی نمی‌شود خطا بکند. یک‌وقت یکی می‌خواهد یک کاری بکند، اشتباه می‌کند، یک‌وقت یک مملکت سی‌میلیونی نمی‌شود اشتباه بکند. کسی بگوید خوب لعل یک آدم غلطی را گذاشتند ... قدم اول را که برداشت، همین ملت عزلش می‌کنند ...» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۵: ۳۲۳).

و در بیانی دیگر: «اکثریت هرچه گفتند، آرای ایشان معتبر است، ولو ... به ضرر خودشان باشد ... ملت رأی داده؛ رأیی که داده متبع است» (همان، ج ۹: ۳۰۴) و در بیانی صریح‌تر اشاره می‌کنند: «من یک وقت گفتم اگر ملت خواست بگوید که نه؛ ما دیکتاتور می‌خواهیم؛ همه ملت گفتند ما دیکتاتور می‌خواهیم، شما چه حقی دارید بگویید نه!» (همان، ج ۹، ۵۲۹).

از نظر ایشان، هرچند همه فقها واجد شرایط رهبری هستند، اما فقیه‌ی ولی امر مسلمین است که مورد پذیرش و رضایت مردم باشد، زیرا تحمیل بر مردم، غیرشرعی است؛ بنابراین فقیه‌ی صلاحیت مقام ولایت را دارد که مستقیم یا غیرمستقیم به دست مردم انتخاب شود؛ انتخابی که چون در چهارچوب مجوز شریعت (انتخاب از بین فقها) انجام شده، از مشروعیت الهی نیز برخوردار است. مهم‌ترین متن در تأیید این نظر، نامه امام خمینی خطاب به رئیس مجلس خبرگان بازنگری قانون اساسی در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ است: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آن‌ها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری

را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است» (همان، ج ۲۱: ۳۷۱).

تعبیری صریح‌تر در این باره، در نامه دیگر امام و در پاسخ به استفتاء نمایندگان خویش در دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور هست که در آن شرط تولی امور مسلمین را آرای اکثریت آنان می‌دانند. امام در پاسخ این پرسش که «در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد» می‌نویسند: «[او] ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (همان، ج ۲۰: ۴۵۹).

از دیدگاه امام، بدون همراهی مردم امکان تحقق و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد و بدون حکومت اسلامی هم امکان اجرای احکام و دستورات الهی وجود نخواهد داشت، پس حضور مردم مقدمه واجب برای این هدف است. «پشتوانه یک حکومتی ملت است. اگر یک ملتی پشتوانه حکومت نباشد، این حکومت نمی‌تواند درست بشود؛ این نمی‌تواند برقرار باشد» (همان، ج ۱۱، ۴۵۹).

ایشان حفظ اسلام را تکلیفی شرعی برای همه مردم قلمداد می‌کنند که باید از آن محافظت شود: «حفظ اسلام یک تکلیف شرعی است برای همه ما. حفظ مملکت توحیدی، یک تکلیفی است برای همه قشرهای ملت.» (همان، ج ۱۷: ۱۰۲)

حال سؤال اینجاست که در اندیشه فقهی امام خمینی مردم چگونه می‌توانند از اسلام و ایده حکومت اسلامی محافظت نمایند؟ آیا در فقه، راهکارهایی برای انجام وظیفه شرعی ملت ذکر شده است؟ در این رابطه می‌توان فریضه امر به معروف و نهی از منکر، لزوم مشارکت سیاسی و ... را از راهکارهای فقه شیعه در این باره عنوان کرد.

۴-۱-۱۳. امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی در کتاب امر به معروف و نهی از منکر تحریر الوسیله می‌نویسند: «این دو از والاترین و شریف‌ترین واجبات می‌باشند و به‌وسیله این دو، واجبات برپا می‌شود و وجوبشان از ضروریات دین است و منکر وجوبشان در صورت توجه به لازمه انکار و ملتزم شدن به آن از کفار می‌باشد و در کتاب عزیز (قرآن) و احادیث شریفه با زبان‌های مختلف بر آن‌ها ترغیب شده است. خداوند متعال می‌فرماید: "و باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان

همان رستگاران اند؛ و خداوند متعال می‌فرماید: "شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان می‌آورید" و آیاتی دیگر؛ و از حضرت رضا علیه السلام است که: "رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرمود: وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده یکدیگر بگذارند و خود شانه خالی کنند، پس اعلان به رویارویی با خداوند می‌نمایند". از پیغمبر صلی الله علیه و سلم است که: "حقیقتاً خدای عزوجل نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، بغض دارد. پس گفته شد: مؤمن ضعیفی که دین ندارد، چه کسی است؟ فرمود: کسی است که نهی از منکر نمی‌کند" و از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: "مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و بر نیکی کمک می‌نمایند، در خیر می‌باشند. پس وقتی چنین نکردند، برکت‌ها از آنان سلب می‌شود و بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند و برای آن‌ها یاورى نیست نه در زمین و نه در آسمان" و از امیرالمؤمنین علیه السلام است که خطبه خواند و ستایش خدا را نمود و بر او ثنا فرستاد سپس فرمود: "اما بعد، همانا از پیشینیان، کسانی که هلاک شدند، تنها وقتی بود که گناهان را انجام می‌دادند و ربّانیون و احبار، آنان را از این کار، نهی نمی‌کردند و به‌درستی که آنان چون در معاصی، به آخرین درجه رسیدند و ربّانیون و احبار، آنان را از این کار منع ننمودند، عقوبت‌ها بر آنان نازل شد، پس امر به معروف کنید و نهی از منکر بنمایید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر هرگز اجلی را نزدیک نمی‌کنند و رزقی را قطع نمی‌نمایند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۲۵-۵۲۶).

ایشان بر مردم واجب می‌دانند که با کمک به فقها اسلام را محافظت نمایند: «بر مردم به‌طور کفایی واجب است که فقها را در اجرای سیاست (حدود و تعزیرات) و غیر آن‌ها از امور حسبیّه که در زمان غیبت از مختصات آنان می‌باشد، در صورت امکان کمک نمایند و در صورت عدم امکان، به هر قدری که میسر و ممکن است (مساعدت کنند)». (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۴۸).

۴-۱-۱. نصیحت ائمه مسلمین و مشورت

«نصیحت» اسم مصدر است، به معنی پند و اندرز به آنچه مصلحت است و نهی از آنچه بد است (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۱۷). در لغت، خیرخواهی است، یعنی هر گفتار یا عملی که در آن خیر منصوص منظور شده باشد. نصیحت حاکمان و والیان از دو جهت

مهم است: الف) اطلاع رسانی و ارشاد؛ ب) کنترل و اصلاح (سروش محلاتی، ۱۳۷۵: ۱۴۳-۱۴۶).

همچنین آیت الله میرزا حسین نائینی در تصویری که از حکومت اسلامی (در قالب نظام مشروطه) ارائه می دهد، عامل بازدارنده از استبداد را در دوران غیبت، محاسبه و مراقبه ملت ذکر می کند (نائینی، ۱۳۸۲: ۴۶).

در اندیشه فقهی امام خمینی، نصیحت زمامداران از واجبات الهی بوده و ترک آن از گناهان کبیره به حساب می آید و بر همگان، به ویژه علما که از اقشار ملت هستند لازم است به این مهم توجه کند: «نصیحت از واجبات است؛ ترکش شاید از کبایر باشد. از شاه گرفته تا این آقایان تا آخر مملکت، همه را باید علما نصیحت کنند» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۱: ۱۲۱). ایشان نصیحت زمامداران را وظیفه ملت می دانند و ترک آن را گناهی بزرگ قلمداد می کنند (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۱: ۳۳۷) و ضمن تأکید بر ضرورت انتقاد و نقش مهم مراقبت مردم بر رفتار مسئولان می فرمایند: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد- خودبه خود- از مقام زمامداری معزول است» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۵: ۴۰۹).

امام خمینی درباره نصیحت و خیرخواهی مردم نسبت به همه مسئولان نظام بیان می کنند: «و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم، خودنمایی کرده؛ از آن وقت باید جلویش را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلویش را بگیرند...؛ اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و این ها را حفظشان کنند» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ج ۱۶: ۲۳).

۱-۱۵. مشارکت مردم در سرنوشت خودشان

در اندیشه و سیره امام خمینی، به مشارکت مردمی به عنوان یک مسئله اصلی، اساسی و تعیین کننده در حوزه تعیین سرنوشت مشترک عمومی توجه و عنایت کامل شده است. ایشان بارها بر ضرورت ورود مردم در صحنه سیاست و تصمیم گیری های

اساسی جامعه در قالب نهادهای حکومتی تأکید کرده و آن را بزرگ‌ترین عامل ثبات حکومت و ضامن حفظ امنیت در جامعه معرفی نموده است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۵۴)؛ بر این اساس مشارکت مردم در امور سیاسی، بهترین شیوه حمایت آنان از ایده دولت و حفظ آن محسوب می‌شود و اصل مشارکت، حقی است مبتنی بر اعتقاد به برابری و آزادی همه قشرهای جامعه. مشارکت سیاسی در اندیشه امام، هم حق و هم تکلیف است؛ بدین بیان که از یک‌سو حق اولیه هر فرد است «که خودش انتخاب بکند یک‌چیزی را که راجع به مقدرات مملکت خودش است» (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۴: ۴۹۲) و از سوی دیگر تکلیفی شرعی برای مسلمانان است که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند؛ و از این جهت شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی است (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۸: ۲۸۶) و حضور در صحنه‌های سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات، از این جهت که عامل حفظ جمهوری اسلامی بوده، بر همگان واجب شرعی است (خمینی، ۱۳۹۲ ج، ۱۸: ۴۱۳).

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، عوامل کلیدی حفظ امنیت ایدئولوژیک دولت در اندیشه امام خمینی (ره) بررسی گشت. بر اساس دیدگاه‌های ایشان، پانزده عامل اساسی، شامل نهاد ولایت فقیه، قوای سه‌گانه و نقش مردم به‌عنوان ارکان حیاتی امنیت نظام شناخته شد. امام خمینی (ره)، بنیان اندیشه سیاسی‌اش را بر توحید و خداباوری استوار کرده، در تحلیل خود از امنیت دولت، به جنبه‌ها و ماهیت آن توجه ویژه‌ای دارد. ایشان در آثار خود، حکومت مطلوب را بر اساس سه رکن اساسی ترسیم می‌کنند: عدل الهی، مسئله خلافت و جانشینی انسان در زمین و وحی (دین الهی). از دیدگاه امام، عدالت، مردمی بودن و اسلامی بودن شاخص‌های برجسته ایدئولوژی نظام سیاسی مطلوب است. ایشان به‌درستی اشاره می‌کنند: «نهاد حکومت آن‌قدر اهمیت دارد که نه‌تنها در اسلام حکومت وجود دارد، بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرعی قوانینی است که یکی از شئون حکومت است» (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ۴۷۲)؛ از این‌رو لازم می‌نماید که تمامی این عوامل برای حفظ نظام سیاسی جمهوری اسلامی و در راستای تحقق اهداف عالی آن تلاش کنند.

فهرست منابع

- 0 قرآن کریم
- 0 آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- 0 بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. مترجم: رضا مهیار. چ: دوم، تهران: اسلامی.
- 0 بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم دولتها و هراس. مترجم: محمدعلی قاسمی. چ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 0 تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی، ج.۱: رهیافت‌ها و راهبردها. جلد اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- 0 داوری اردکانی، رضا؛ شاکری، سید رضا (۱۳۸۸). امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره). دانش سیاسی (۵)، ۱، ۴۵-۶۷.
- 0 خمینی، روح‌الله، (۱۳۹۲ الف). شرح حدیث جنود عقل و جهل (موسوعة الإمام الخمينی ۴۹). چ ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۹۲ ب). ۱. ستفتانات امام خمینی (س) (موسوعة الإمام الخمينی ۳۲ الی ۴۱). ج ۱۰. چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۹۲ ج) صحیفه امام خمینی. مجلدات ۱-۴-۵-۶-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۵-۱۶-۱۷-۲۰-۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۴۲۱ ق). البیع. ج ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۸). ولایت فقیه. چ نوزدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۹). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی. چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۳). ارتش، از دیدگاه امام خمینی (س). چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۵). امام خمینی (س) و نهادهای انقلاب اسلامی. چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- 0 _____ (۱۳۸۷ الف). دانشگاه و دانشگاهیان، از دیدگاه امام خمینی (س). چ ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۷ ب). انتخابات، در اندیشه امام خمینی (س). چ ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۸۷ ج). آداب‌الصلوه. ج ۷. قم و تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی).
- 0 _____ (۱۳۶۸). تحریر الوسيلة (ترجمه فارسی)، ج ۲. چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 _____ (۱۳۹۰). قضا و قضاوت، از دیدگاه امام خمینی (س). چ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- 0 جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- 0 سروش محلاتی، محمد (۱۳۷۵). نصیحت ائمه مسلمین. حکومت / اسلامی، ش ۱، ۱۵۶-۳۱.
- 0 فوزی، یحیی (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). قم: معارف.
- 0 قربی، سید محمدجواد، (۱۴۰۲). مصادیق امنیت در حکومت اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی (ره). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ / ایران. ۲ (۱)، ۱۸۳-۱۶۰.
- 0 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰). تهران: رسا.
- 0 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴). آموزش عقاید، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- 0 مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- 0 نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه المله. تصحیح و تحقیق سید جواد ورعی. چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- 0 لک زایی، نجف، (۱۳۸۹). فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۳، (۴۹)، ۵-۲۸.
- 0 واثق، محمود؛ سادات حسنی، نرجس (۱۳۹۵). برر سی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره). سیاست دفاعی، (۹۴)، ۱۴۵-۱۶۷.

- 0 یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، ۸ (۲)، ۳۴-۵۴.

